



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

دورنمایی از

دولت عدل الهی

نوشته:

دکتر رحمتن مظفری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دورنمائی از دولت عدل الہی

نویسنده:

رجبعلی مظلومی

ناشر چاپی:

بنیاد بعثت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	دورنمایی از دولت عدل الهی
۶	مشخصات کتاب
۷	دورنمایی از دولت عدل الهی
۱۰	مقدمه ناشر
۱۳	دورنمایی از آن دولت که ما را انتظار است
۱۹	یاران شایسته مهدی علیه السلام
۲۲	نبرد نور و ظلمت
۲۴	آن دشمن کیست؟!
۲۹	اما از نظر دینی:
۳۳	سخن آخر
۳۵	مآخذ این گفتار :
۳۷	حواشی رساله:
۴۰	درباره مرکز

دورنمائی از دولت عدل الہی

مشخصات کتاب

سرشناسه: مظلومی، رجبعلی، 1306 - 1377.

عنوان و نام پدیدآور: دورنمائی از دولت عدل الہی / نوشته رجبعلی مظلومی.

مشخصات نشر: تهران: موسسه الامام المہدی (عجل اللہ تعالی فرجه الشریف): بنیاد بعثت، 1360.

مشخصات ظاہری: 32ص.

فروست: موسسه الامام المہدی؛ 5.

شابک: 25 ریال

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: این کتاب به مناسبت یاد بود میلاد مسعود آخرین رہبر الہی مکتب تشیع است.

یادداشت: کتابنامہ: ص 29-32.

موضوع: عدل الہی

شناسه افزوده: مدرسه امام مہدی عجل اللہ (قم).

موسسه امام مہدی

شناسه افزوده: بنیاد بعثت

رده بندی کنگره: 3/BP219/3م/6د9 1360

رده بندی دیویی: 297/42

شماره کتابشناسی ملی: 19891

بیاد بود میلاد مسعود آخرین رہبر الہی مکتب تشیع

دورنمائی از دولت عدل الہی

نوشته: دکتر رجبعلی مظلومی

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم زهرا جعفری

ص: 1

دورنمایی از دولت عدل الهی

مؤسسة الامام المهدي

تأليف: دكتور رجبعلى مظلومي

ناشر: مؤسسة الامام المهدي بنياد بعثت

تنظيم: بر آبادي

تعداد: 20000 جلد

تهران: بهار 1390

مرکز پخش: واحد کتاب بنياد بعثت

تهران- خيابان سميّه- بنياد بعثت- تلفن 821159

ص: 2

«گر باد فتنه هر دو جهان را بهم زند»

«ما و چراغ چشم وره انتظار دوست»

(حافظ)

به میمنت میلاد مبارک امام زمان ، این رساله کوتاه را بیاد عظمتی بی پایان تقدیم می دارد و امیدوار است که خداوند بزرگ آن را عملی
مثاب محسوب دارد و توفیق اجرای این نیت را عنایت فرماید، 19 تیر ماه 1358.

ص: 3

بسم الله الرحمن الرحيم

در رسیدن به مقصود شناخت منتهی نقش بسزایی دارد چندان که بدون این، رسیدن به آن ممکن نیست. شناخت منتهی از طرفی شوق رفتن را در دل بر می انگیزد و از طرف دیگر اعمال و رفتار های متناسب با آن نهایت را اقتضا می نماید و وصلت را کسی باید آرزومند و منتظر باشد که به این دو ملتزم گردد.

و حکومت عدل الهی، وعده الهی است:

(وَ نَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ اللَّهُ وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) . القصص / 5

«و اراده داریم بر آنان که در زمین به استضعاف گرفته شدند، منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم».

و وعده الهی به صالحین :

(وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)

و همانا در زبور، پس از ذکر، نوشته ایم که زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد. الانبیاء / 105.

(إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ) آل عمران 9.

«و همانا خدای وعده خویش را خلاف نکند»

پس برای رسیدن به این نعمت عظمی، با تمسک به آن دو شرط که گذشت، طلب صلاحیت باید نمود. کتاب حاضر، به زیبایی و نیکویی از عهده این مهم بر آمده است. سبکی که در نگارش آن بکار رفته، فارغ از محتوای آن قابل توجه است: مطالب از مأخذ و اسناد و آیات و روایات استخراج شده و به بیانی زیبا بیکدیگر پیوند یافته اند، و جابجا هنگامی که نیازی به توضیح بوده، توجیهی مفید و مجمل آورده شده. توجیهی که برخاسته از تمایلات و احساسات زمانه نیست، بلکه ریشه اصالت های هر زمان و مکان و عمق فطرت و عقل پاک آدمی دارد. و بدین ترتیب متنی بدست آمده شامل همه مطالب، لازم ولی با ترک اطناب و در عین حال مستند و مستدل .

موسسه الامام المهدي

در جهت یاری به شناخت و شناساندن همان مهم - یعنی منتهی - است که اقدام به نشر این نوشته می نماید، باشد که این کار در تحقق این منظور سود مند افتد.

ای نسیم سحر، آرامگه یار کجاست؟ *** منزل دلبر هر عاشق بیدار کجاست؟

شب تار است و ره وادی ایمن در پیش *** اتش طور کجا؟ موعده دیدار کجاست؟

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند *** کته ها هست بسی، محرم اسرار کجاست؟

هر سر موی مرا با تو هزاران کار است *** ما کجاییم و ملامتگر بیکار کجاست؟

«حافظ» از باد خزان در چمن دهر مرنج *** فکر معقول بفر ما گل بی خار کجاست؟

هر کس به بیانی از او وصف می کند و نگران راه است که چه وقت ظاهر شود. او موعود همه ادیان است و مصلح مورد انتظار جهان.

امید ها همه با و ختم می شود، و خواست ها همه با و منتهی می گردد، او از ورای ابر غیبت، خورشید وار، هر کاشانه را نوری رساند، و در هر جان شوری تولید کند .

گرچه تباهی ها فزونی می گیرد و عالم رو بسیاهی می رود؛ اما امید آن که

او به «هدایت» این تباهی برسد، و به نور «ولایت» آن سیاهی بزدايد... همین هستی که جهان راست، باز بدو وابسته، و این نعمت که روزی خوارانر است نیز با و پیوسته .

از برا بمیلادش مسروریم و به دوست داشتش مأمور و مأجور.

پروردگارا!

تو مهربانی و پوزش پذیر. تویی که دل ها را دگرگون سازی و با دست هدایت، نوازی. زنگ از آن آینه بزدائی و چهرش از هر کدورت پاک نمائی؛ چندان که نقش حقایق، پذیرد و از عالم واقع اثر گیرد. بدان جا که تو اش می نمائی روی آورد؛ و بدان مقصدش که می خوانی راه برد

خداوندا!

چون مرا دین آموختی، و در درون مشعل ایمان افروختی، پس بر آنم ثابت مدار، و دمی مرا بخویش و مگذار.

آفریدگارا!

تا تو خود را بر دلم نمودی، هیچم معرفت نبودی؛ تو فرشتگان و پیام آوران را روانه ساختی و بعز هدایت گردنم افراختی تو هر ولی امر و کارگزار دین را شناساندی و این وامانده راه را بمقصد کشاندی. پس، سزاست جز آن چه تو نمائی نپذیرم، و سوای آن که تو معرفی کنی به امامت نگیرم.

بارالها!

مرا از آن مقامات که بدوستان می بخشی محروم مدار، و از آن نعمت ها که بشایستگان می دهی بی نصیب مگذار. حالی، که هدایتم فرمودی توجهم از آن بر مگردان خود به «اهل ولایت» آشنا کن؛ و از این حسرت که دل راست، رها کن.

(ترجمه دعائی از ص 510 منتخب الاثر)

ص: 6

دورنمایی از آن دولت که ما را انتظار است

برقی سخت خواهد زد و اختری خواهد درخشید و نوری تابناک ظاهر خواهد شد.

آن گاه از بالای سپهر بلند آوایی برخواهد آمد که:

«دوران نگرانی بسر آمد و محبوب جهانی، شما را ببر..»

عالمی سرانقلاب گیرد و دل های اهل دل را همه پیچ و تاب... تاکی طلعتش نمایان شود و انوار جمالش با هر!؟؟

از این لحظه در آسمان و زمین صحنه هائی عجیب پدید آید و نشانه هائی از یک تحول بزرگ، در همه آفاق نمودار گردد.

بعضی را شوری اندر درون افتد که: «چه بلائی روی خواهد نمود!؟؟» و برخی را سروری در نهان، که: «چه سعادت نصیب خواهد گشت!؟؟»

تا آن گاه که روشنائی خیره کننده ای همه جهان را ناگهان. فرا گیرد آن گونه که هیچ مانعی برای وصول نورش بهر زاویه و بیغوله نتواند بود و دوری راه و بعد مکان از تأثیر پرتوش نتواند کاست... این نور خدائی است و از حدود ماده جدا.

این نور، از دیوار و حائل نیز می‌گذرد و از کوه و سد نیز عبور می‌کند... به همه جا می‌رسد و در همه سوتار یکی را نابود می‌سازد... این نور از جدار سینه‌های سخت نیز عبور می‌کند و بسرپرده دل وارد می‌شود... در اهل ایمان، ازدیاد یقین و سکینه خاطر می‌نماید و در غیر آنان، اتمام حجت و برهان می‌کند... این نور قبل از خلقت آسمان و زمین نیز بود و پس از نابودی ماه و خورشید نیز خواهد بود... این نور مایه وجود انبیاء و اولیاء حق است. این نور رابط خدا و مردم شایسته است. این نور مظهري از حقیقت قرآن، و نمایشی از اثر فرقان است... این نور در پیشانی آنان که در صلب خویش گوهر عصمتی بامانت دارند، هوید است... این نور از تمام وجود نمایندگان خدا از خردی تابان است... این نور در «طور» هم بود... و در «جبل فاران» هم دیده شد... این نور را تاکنون بسیار دیده‌اند و وصف آن هر اهل حالی شنیده...

این نور را شب در پی نیست و تا خدا خواهد فروزان و ابدی است.

پس از ظهور این فروغ، بی‌مانند بانگی برخواید آمد که از جهانی جلالت و هیبت حکایت کند.

این صدا را هر کس، بهر شهر و دیار که باشد خواهد شنید و

به خوبی درک خواهد کرد بلکه بجانش اثر خواهد نهاد...

این نوای نافذ از کجا بر می‌شود؟؟ از همان خانه که اولین بار حضرت آدم (علیه السلام) بنیادش کرد و ابراهیم خلیل (علیه السلام) از آن ندای توحید را بعالم در داد و مردم را بطواف آن بخواند، و پیمبر پاک اسلام نیز از همان مبدأ کار تلاوت آیت و تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت، آغاز کرد.

این خانه نمونه ای از مطاف فرشتگان آسمان است و هر مسجد روی زمین، نشانه ای از آن این بانگ عظیم پایپای نور بهرخانه و برزن می رود و هر غافل و هشیار را بخود جلب می سازد وضع عالم را هم این نور تغییر می دهد چنان که، همه همه سوی را می بینند و ندا کننده را در هر حال و هر جای مشاهده می کنند.

این نیروی الهی است که دیده ها را بینش دیگر می بخشد و گوش ها را شنوائی خاصی می دهد. گرچه باز هم این اثر، از حدود قوای طبیعی چندان فراتر نرفته است که بس شعاع های نامرئی در جهان وجود دارد که چنین خاصیت توانند داشت و پای بر سر موانع دید، خواهند گذاشت اما تفاوت در آنست که این پرتو را خدا دیده ای دهد، تواند که شعاع نظرش از تمام کدورت های مادی بگذرد و همه چیز را در همه جا مشاهده نماید و چون بگوشی چنین نور اثر کرد، درک هر شنیدنی را از هر جای جهان که خواهد، تواناست، و بهر کدام نظر دارد، سایر صداها نتواند دخالت نموده، ازدحام و ابهامی تولید کنند.

آری در آن روز و در آن روشنی خاص، عالم گیر همه مردم جهان، از خرد و کلان جمال زیبای مردی را مشاهده خواهند کرد که با وقاری تمام بر دیوار خانه کعبه تکیه زده و خود را بنام قرآنی خویش، بقیه الله، معرفی می نماید.

شگفتا که هر کس کلام او را به زبان خویش شنود (1) و مناسب فهم خود داند؛ حق همین است که وقتی انسان ضعیفی تواند وسیله خودکار ترجمه فراهم سازد و «مغز الکترونی» بوجود آورد، از خدای بزرگ، چه استبعادی تا در طبیعت الفاظ این دگرگونی را فراهم کند تا هر گوش، کلام حجت الهی را چنان که مناسب درک

ص: 9

اوست بشنود و مقصود را در یابد و اگر جز این می بود، خود بخدا، نقص بود.

امام در جامه ای خشن و ساده بنظر رسد و ابری سفید بر سر او ایستاده، چهره اش بدانگونه که از پیمبر یاد کنند، و خوراکش همانچه در مورد امیر علیه السلام ذکر نمایند. شمشیری ساده برکنار دارد و مصحفی خاص در جوار (1).

و هر چه و هر که را خواهد از صحنه حیات دور کند. ظاهر آن تیغه ای است اما همه نیرو در آن نهفته، هولی عجیب در دل خصم افکند و خرمن وجود مخالف بشرار قهر کشد.

تمام قوای مادی را خدا با اختیار او نهاده است (2) و نظم نوامیس طبیعی همه بنظرش، وابسته پس هیچ وسیله ای نتواند بی موافقتش کار کند و یا سلول و اتمی بی تصویب او فعالیت یا قرار داشته باشد؛ بوجوده ثبت الارض و السماء.

البته در آن محیط که فساد، همه ظاهر و باطن را فرا گرفته است و جبهه مخالف حق، قوی و آماده، راهی جز این نیست که تکیه گاه های مردم گمراه را خداوند در اختیار مصلح نهد. و همان سنگر های خصم را برایشان زندان کند، سلاح شان از کار اندازد و سازمان شان پریشان سازد.

آری حکمت حق همین اقتضا نماید و هر دانا داند که سوای این روا نبود.

مرکب او نیز خدائی است. ابری او را برگیرد و بهر جای که می خواهد ببرد، هم باآسمان ها عروج دهد و هم در اقطار زمین بگرداند (3).

بشر عادی، دستگاهی سنگین را در فضا تواند سیر دهد پس

ص: 10

1- منتخب 307

2- نهج 416

3- منتهی - ج 2-292-291-290

بسی بی انصافی است که از خدا چنین کار را کسی محال داند.

مهدی علیه السلام برتر از طبیعت است و بر قوای طبیعت مسلط. لذا پیری و شکست او را در کار نیست و ضعف و ناتوانی را در او آثار نه (1).

چگونه مرتاضی باندازه خود تواند در عالم تصرفی کند و صحنه ها پدید آورد، نشان دهد که از تسلطی بر نفس، و ابراز اراده، بس اثرها حاصل شود و قدرت ها جلوه کند.

ولی چون سخن بخالق کائنات می رسد، بر آن نیرو که بمأمور خاص خویش بخشیده، خلاف حق ایراد می گیرند و رسم بیداد می نهند.

شرم دارند که گویند: ما هنوز خدا را نشناخته ایم و خود را آماده قبول حقایق نساخته.

بیم دارند که اظهار کنند: ما بهیچ پیغمبری ایمان نیاورده ایم؛ گفتار هیچ یک را باور نداشته و معجزات آنان را تصدیق ننموده ایم.

پروا دارند از آن که صریحاً گویند: ما در امامان قبلی مردّد هستیم و نسبت به قدرت های خارق العاده ایشان، و توجه مخصوص پروردگار به آنان اعتقادی نداشته ایم و در آن خبرها که نسبت بچنین «مهدی موعودی» ابراز دارند صادق شان نمی دانیم.

همانند جاهلان خودخواه می ترسند از این که بگویند ما در حدّ محسوسیم و از عبور از آن بیمناک و مأیوس.. و حال آن که چنان مرتبه، مرتبه حیوان است و بلکه مادون آن... و آدم بمعنی کلمه، باید با معارفی برتر از این آشنا باشد؛ و جان و دل در عالمی فوق ماده و صورت جولان دهد؛ تا از محدودیت ها درآید و دوران جمود و رکود او

ص: 11

بسر آید؛ پائی بر نهد و بدانجا که جای اوست ره برد.

آن مصحف که امام بدست دارد، نوشته امیر علیه السلام است (1) که متن آیات الهی و تفسیر آن و احکامی که از هر آیه حاصل است بنا بتقریر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و بیان جبرئیل و وحی ثبت و ضبط شده. این گنجینه بزرگ را گرچه اهل جور نهادند بموقع نشر یابد، اما خدای حکیم شایسته دانست که به هنگام «دولت عدل» ظاهر شود و بنای حکومت داد را بنیاد نهد و اساسنامه جامع اصلاح عالم و آدم باشد.

ص: 12

1- منتهی - ج 2- 292-291-290

چون نوای فرح را از فراز خانه خدا بر آید جمعی مشتاق از گوشه و کنار عالم، همانند زنبوران عسل بیرواز آیند و باستان آن سلطان زمان روی آرند؛ مقدمش گرامی دارند و در جوارش قرار یابند (1).

این صدا، نه فقط در پهنة زمین، پهن گردد و همه کس را بخود آشنا کند، بل در افلاک نیز پیچد و عیسای مسیح و الیاس و ادیس را از آسمان باز آورد.

و هم بغار اصحاب کهف رود و ایشانرا فراخواند.

و هم از بیابان ها خضر را پیام دهد.

و هم بزیر خاک اثر کند، و جمعی نیک نفس و مجاهد و با ایمان را دعوت نماید تا افرادی چون یوشع و شعیب و صالح (2) که سرداران هدایت اند، و کسانی چون مالک اشتر و ابو دجانه که مظهر شجاعت و قدرت می باشند و دیگرانی چون سلمان و مقداد که نمونه ایمان و سلامت به شمار می روند، همه راه خدمت امام گیرند.

علاوه بر این، مردگان را هم جانی رسد و نیرو و توانی؛ تا

بیدار یکدیگر روند و به تبریک و تهنیت پردازند (3).

ص: 13

1- منتخب 478

2- منتهی - ج 2- 291

3- منتخب- 478

اینست آن چه را که در دفتر غیب ثبت کرده بودند و (1) اینک گشاده اند.

آنان که دیدی وسیع تر دارند با آن قضایا همواره آشنایند و به صحت امر، دانا.

اصحاب امام همه از اولیای خداوندند. جملگی مقام حکومت و داوری دارند و سزاوار همان هستند؛ زیرا که سرداران یک مصلح بزرگ جهانی بایست که همه شایسته باشند و بفضائل عالی انسانی آراسته (2).

اما برای آن که در این ماموریت و اجرای وظایف محوله هرگز اشتباه و انحرافی نداشته باشند، پروردگار با توجهی مخصوص، آنان را عصمت می دهد؛ یعنی دیدشان چنان قوی می شود که اسرار درون ها را نیز در می یابند و هر جنایت را «همانند داود علیه السلام» از آثار شناسند و بی دعوت شاهد و احتیاج بینه ای نظر دهند. فقهای مذهبی هم در آن در آن عصر از خطای در فتوی، مصونیت دارند. (3)

چهره هاشان هم پیوسته جوان است و پیری و کهولت را با ایشان سر و کار نیست (4).

اما از نظر عمر، آن قدر در جهان خواهند زیست که تعداد فرزندان شان از هزار بگذرد. جسم شان را درد و مرض نگیرد و نیروی شان هرگز کاهش نیابد.

علاوه بر این، امام را قوت مشاهده و استماع، بیشتر از سایر افراد خواهد بود؛ چندان که از فواصل دور، هر کس را که خواهند، ببینند؛ و سخن ایشان را بشنوند (5).

این اثری از همان قدرت الهی است

که بنا به گواهی قرآن کریم آشامیدنی لطیف و انجیر تازه را که غذای عزیز نبی بود و بیش از

ص: 14

1- تفسیر آیه (3 بقره) (الذین یؤمنون بالغیب)

2- منتخب-481-485

3- منتخب-481-485

4- منتخب-484

5- منتهی 2-291

چند روز طبعاً دوام نمی آورد، صد سال شاداب بداشت و محیط و شرایط طبیعی در آن دو، اثری نگذاشت (1).

گرچه بی گناهی و پیروی دقیق شریعت اسلام نیز که آئین فطرت است، آدمی را بمرز «تطبیق با طبیعت» نزدیک می کند و از بی اعتدالی وجود که علت حقیقی بیماری و ضعف و مرگ است دور می سازد، اما اراده حق، توفیقی هم می بخشد که کار را تا مرز مراد می رساند. یاران امام را نیروی جسمی فراوانی است و در سینه دلی محکم و استوار؛ که بیم را بدان راهی نیست و اراده ایشان را با شکست روئی نه (2).

این اصحاب پاک و جانباز را شمشیری آسمانی و پراثر، که

معجز آسا کار کند و دمار از روزگار بدکار برآرد؛ داده اند (3).

حیوانات نیز از فرمان شان سر نمی پیچند (4) و چنان که خواهیم گفت رام شان خواهند بود. آری آنان نیز جزئی از دستگاه ولایت اند و عهده دار امری از دیوان امامت؛ ناچار باید از آنچه در ولی امر است اثری دارا باشند تا چنان که شاید، کارها بانجام رسانند و به همین لحاظ هم، غالباً بر پاره های ابر سیر می کنند (5) و چون شب به خانه و دیار خویش باز آیند، صبحگاه باز به مکه روند و آماده خدمت شوند (6).

اینان که به روز، شیران بیشه اند و دلاورانی بی بیم و اندیشه، شب ها همانند راهبان و خدا ترسان تا صبح بعبادت و انابه مشغولند و بر درگاه الهی سرافکننده و ذلول (7).

ص: 15

1- قرآن (2-259) (اوکالذی مّر...)

2- منتهی-2-291

3- منتهی-2-291

4- منتهی-2-291

5- افق-21

6- منتخب-476

7- افق-21

امام، با آن نیروها که در اختیار دارد، و به همراهی آن سرداران و جانبازان که برکنار گرفته، جبهه ای قوی تشکیل می دهد.

افراد سپاهی، عبارتند از:

مردان با ایمان - گروهی از صالحان جنّ (1) - بسیاری از فرشتگان - جبرئیل (فرشته علم) در مقدمه است، و میکائیل (فرشته روزی و نعمت) در ساقه (2).

[یعنی: کار دولت مهدی باید با علم و حکمت پیش رود تا نعمت و راحت بجای گذارد.]

ابر های سرکش، رام و در اختیارند، و باد های تند، مستخر.

بر همه وسائل و اسباب، دسترسی هست، و تسلط بر همه چیز ممکن (3).

رایت رسول خدا در اهتزاز است، و امام زره مخصوص نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در بر کرده (4).

همان سنگ را که موسای کلیم بدستور خدا، عصا زد و چشمه ها از آن جاری، شد همراه سپاه امام می برند تا هر جای، بدان

ص: 16

1- منتهی-2-291

2- منتخب-481-472

3- افق-23

4- منتهی-2-291-292-293

رفع تشنگی کنند (1).

همه آثار این جبهه، رنگ خدائی دارد؛ و به هدایت وحی پیش می رود، و علیه دشمنی قوی، که هر مخبر صادقی از آن یاد کرده، قیام نموده است.

ص: 17

1- منتهی-2-291-292-293

آن «عذاب خدا» (1) است، آن «بلائی روح و جسم آدمی» است آن فساد فکری و اعتقادی است، آن «خوی زشت و کار نادرست» است...

دجال، دجال یعنی: نماینده هر تباهی و گمراهی، واسطه هر انحطاط و درماندگی... یعنی: زنا، فحشاء، لهو و قمار، فساد علنی، لختی و بی عفتی فسق و فجور (2). پرخواری و شهوت رانی... و بالاخره، تمام مقدمات بی ایمانی و مظاهر کفر و نا انسانی.

امام، برای نابودی این اساس غلط، قیام کرده است؛ و جهت ریشه کن نمودن آن، بر پای خاسته.. و از آن جا که این عامل خطرناک به درون آدمیان رخنه کرده و باطن افراد را آلوده است، باید قطعاً وسایلی غیر از اسباب عادی مادی بکار برد، و همکارانی، جز یاران معمول و محسوس بهمراه داشت.

آری، آن ها که بباطن نفوذ کنند، و هرگز شکست نخورند، از تدبیر در نمانند؛ و تا پای فتح پیش روند و باز نایستند. و این خداست که می خواهد یک بار دیگر بآدمی بفهماند که

ص: 18

1- منتهی-2-291-292-293

2- منتخب 480-483-منتهی-2-292

او خود با «فساد اخلاقی و اعتقادی خویش» نعمت های عالم را بزوال و تباهی کشانده، و در طبع طبیعت، درنده خوئی را مایه نهاده است؛ و بالتیجه، این همه نا امنی و نابسامانی برای خود بار آورده...

براستی، پیش از قتل اولین فرزند آدم (هابیل) کین و حسدی نبود، و تجاوز و وحشت بین انسان و حیوان وجود نداشت (1).

اما، در این نبرد، جبهه حق مسلماً پیروز می شود و روی زمین، از لوٹ دشمنی خدای و نافرمانیها پاک می گردد (2).

هر حکومتی که خلاف، عدل کار کرده، رو بفنا می رود؛ و هر دولت که فساد و بیداد نموده بر باد می شود (3).

تدریجاً ملک خدائی توسعه می یابد؛ و حکام (4) و قضات دادگر، و فقهای شایسته که گرد برگرد امام، منتظر دستورند، بهمه نقاط عالم، فرستاده می شوند. تنها یک مرکز فرماندهی در جهان، برقرار خواهد بود؛ و یک امیر زمام امور را بدست خواهد داشت؛ نه از مرزها و سرحدات اثری و نه از جدائی ملل و اتباع خبری (5)؛ همه تحت یک نظام درست، بزندگی مسالمت آمیز و عاقلانه ای می پردازند.

البته، در این دوره هم، بداندیش و کژ نهاد باقی هست (6)؛ اما چنان، مورد واریسی حکومت قرار میگیرد که دست تجاوز دراز نمی کند؛ و یا کمتر از او فساد می زند. بهرحال، چنانست که او را نیز مجال تباہکاری نمانده؛ و جرأت خلاف باقی نیست.

باید دانست که این دولت، برای ریشه کن کردن بدیها، خردمندانه می کوشد؛ و مدبرانه، عوامل اصلی آنها را زایل می سازد.

از آن جمله؛ بقدرت الهی، عقلها را رشدی می بخشد؛ و اخلاق مردم را کمالی می دهد؛ تا بفهمم حقایق بیشتر پردازند (7)؛ و بر تقوی و کف نفس رو آورند، رحمت و شفقت هم در ایشان فزونی گیرد.

ص: 19

1- منتخب-480-483-منتهی-2-292

2- افق-23

3- مفاتیح-542

4- منتهی-2-291

5- افق-23

6- منتخب-310-483

7- منتخب-310-483

دیگر آن که: علوم بسیاری در این دوره منتشر شود؛ و «حکمت» بین خلق، همه جایی و رایج گردد (1).

سوم آن که: تمام منابع ثروت، در اختیار مردم واقع شود؛ من جمله، باران فراوان بارد (2). و زمین به بهترین نحوه ای گیاهان را رشد دهد و بثمر رسانده و همه از آفات در امان ماند (3). میوه فراوان شود؛ و بهره چندین برابر گردد (4) و حتی زمین های خشک و سوزان، سرسبز و خرم شوند. (5) و معادن، همه آن چه در سینه دارند نمایان کنند، و به روی زمین آورند. سیم و زر از همه سو فراهم آید. (6) و مال و نعمت چنان زیاد شود که زیر دست و پای ریزد؛ (7) و به هر کس هر چه بخواهد و نیاز دارد، داده شود. همه غنی گردند و برای دادن صدقه و نفقات محتاجی نیابند (8).

بدیهی است در چنین شرایطی، از حرص و حسد، دزدی و تملق و بسیاری دیگر از معایب اخلاقی، اثری نخواهد ماند.

دیگر آن که «حکومت مال» از میان می رود و ارزش مبادلات به «خدمات اساسی و فضائل و کار» خواهد بود (9).

مردم همه سر بلند می شوند و از ضعف و بیچارگی رهائی می یابند (10).

در این دوره «عدل و محبت» بین مردم منتشر می شود و همه نسبت به حقوق یکدیگر مراعات انصاف دارند؛ با سایرین مودت می ورزند، و کسی را دیگر «رغبت بگناه و بدی» نخواهد بود (11).

و چون بینش آنان زیاد می شود، بهمان نسبت، ترس شان رو بکاهش می نهد (12)، دیگر کسی مزاحم همسایه اش نخواهد بود و حتی خواب راحت او را نیز بهم نخواهد زد.

هرگز در آن عصر، جنایتی صورت نمیگیرد و خونی به هدر

ص: 20

1- منتهی-2-291-292

2- منتهی-2-291-292

3- منتخب-473

4- منتهی-2-292-منتخب-472

5- منتهی-2-291

6- منتخب-472-منتهی-2-291-منتخب-473-308

7- منتخب-472-منتهی-2-291-منتخب-473-308

8- منتخب-472-منتهی-2-291-منتخب-473-308

9- افق-25

10- منتخب-478-310-497-308

11- منتخب-478-310-497-308

12- منتخب-478-310-497-308

نمی رود (1).

در آن حکومت، چنان امنیت برقرار است (2) که زنی اگر مسافت بین «شام و عراق» را در آن بیابان وسیع و بی محافظ در سپارد، و زیورهای او بر سر و گردنش آشکار باشد، هیچ کس باو قصد تجاوز و دستبرد ننماید (3).

در این دولت، هیچ حقی تلف نماند، و همه جا را داد فراگیرد؛ (4) اثری از ستم و ستمگر نباشد؛ امر به معروف و نهی از منکر رایج گردد. امور جهان، همه خدائی و خدایسند شود (5).

علاوه بر این، حیوانات هم از یکدیگر وحشتی ندارند (6) و بین آدم و حیوان نیز ترس موقوف، گردد، چندان که گرگ و بره باهم بچرند؛ و دام و دد، باهم بروند مرغ ها در آشیانه بی وحشت تخم گذارند؛ و ماهی ها در نهر آسوده بسر برند. اطفال هم، دست از آزار حیوانات بردارند (7).

در این دوره، چهار پایان زیاد شوند؛ و افراد اجتماع فزونی گیرند (8) گمراهی هدایت پذیرد؛ و هر بیمار و علیل و نابینا شفا یابد (9).

هر آدمی تواند که از هر جا، برادر دیگر خود را در آن سوی گیتی مشاهده کند؛ و بدون واسطه ای مصاحبه نماید (10) و همین، رمز نزدیک شدن نقاط، به یکدیگر و سر «کوتاهی راهها» است (11).

مردم، شب و روز، از روشنی «وجود امام» بهره برند، و از پرتو ماه و خورشید مستغنی باشند (12) دار الحکومه به «کوفه» قرار گیرد، و از پشت آن دو جوی آب و شیر سرازیر شود (13) (شاید اشاره به آن است که: باید چنین عدل گستری همخانه «علی بن ابی طالب» باشد و بهره او همه «نعمت و لطف»).

ص: 21

1- منتخب-310-478-308-497

2- منتخب-310-478-308-497

3- منتهی-2-291-292

4- منتهی-2-291-292

5- منتخب-470

6- منتهی-2-291

7- افق-11

8- منتخب-473

9- منتهی-2-293

10- منتخب-484-472

11- منتخب-484-472

12- منتهی-2-291-292

13- منتهی-2-291-292

به هر جای زمین که نظر افکنی جز آبادی و خرمی، و طراوت و صفا نبینی.

در چنین دوره ای، معلوم است که همه شادند و با نشاط، اهل آسمان و زمین ابراز مسرت میکنند و حتی پرندگان و وحوش و ماهی های دریا نیز غرق آسایش و انبساط اند (2).

ص: 22

1- منتخب-482-افق-11-منتخب-472-308-470

2- منتخب-482-افق-11-منتخب-472-308-470

تمام پیروان ادیان و مذاهب غیر اسلامی (1) جامعیت این «آئین نهائی» را تصدیق کنند؛ و اختلاف ملل، و بدعت ها رخت بر بندد (2) و نفاق و شرک خاتمه یابد. انحرافات اعتقادی و عملی، اصلاح پذیرد (3) مساجدی که براساس «تقوی و اخلاس» بنا نشده ویران گردد (4) «تقیه» برداشته شود، و مخالف حق، امکان وجود ندارد (5).

دین الهی به معنی تام و تمامش ظهور یابد. و با آن استحکام که در حجّت های خود دارد بر همه ملل و نحل غلبه، نماید و برتری خویش را واقعاً ثابت کند (6). در این دوره، احکام خاصّی که تا آن وقت اجرا نشده است مورد عمل قرار گیرد از (قبیل آن که: پیرمرد «زنا کننده» را هم به قتل رسانند. و آن کس را که تا بیست سالگی از معالم دینی بی خبر بما نابود کنند؛ و مانع الزکوة را از حیات بی بهره سازند (7) زیرا دیگر دنیا، دنیای بی خبری و مستضعف ماندگی نیست).

اما در مقابل، آن کس را که در «عالم آلت» با دیگری

ص: 23

1- منتخب-482-افق-11-منتخب-472-308-470

2- منتخب-482-افق-11-منتخب-472-308-470

3- مفاتیح-542

4- افق-11

5- منتهی-2-292

6- منتخب-470

7- منتهی-2-292

پیوند برادری یافته است، «برادر» شناسند؛ و «حق ارث» باو دهند (آری، برادری ایمانی را همانند «اخوت نسبی») و بلکه برتر از آن دانند، زیرا آن، عصر، «عصر واقعیت انسان‌ها» است و «فضیلت» مخصوص آن عهد می‌باشد. سزد که «اهلیت و نسبت» را ویژه «عالم جان» دانند، چنان که در خاندان پیغمبر و امام نیز چنین بوده است (پسر نوح و همسر لوط از اهل آن دو بشمار نرفتند (1)). و علی بن ابی طالب و زن و فرزندان، اهل بیت رسول خاتم محسوب شدند (2).

تحصیل دانش برای مؤمن، همه، به نحو «موهبتی» صورت پذیرد، و از «علم لدنی» بر دل‌ها پیایی، مایه رسید. و دیگر نیازی به «تعلم و تعلیم» نباشد (3).

مضافاً هر مسلمان از هر جای امام خود را ببیند؛ مشکل

خویش در میان نهد؛ و پاسخ شنود (4). و امام، بر همه نظارت کند تا از راه نگردند و انحراف نورزند.

دیگر آن که دست امام بر سر هر که رسد، دلش برای مان استوار شود، و ثبات عقیده ای یابد (5).

ولی تا نه تصور نمائی که مسلمین این همه قدر، بی استحقاق دارند، و این همه عنایت، بی سبب می‌شوند، بمضمون بیعتی که هر مؤمن با امام خود دارد توجه کن؛ او بجان پیمان بسته است که: «دزدی، زنا، و قتل از او سرزنند، هتک حرمت کس نکند؛ مسلمانی را دشنام ندهد. بی مورد بجائی حمله نیاورد؛ کسی را به ناحق نزند؛ سیم و زر و گندم و جو ذخیره نکند. مال یتیم نخورد. و بدانچه نمی‌داند شهادت ندهد. مسجدی را ویران نسازد و شراب مست کننده ننوشد، پارچه خز و حریر نپوشد. کلامی بخاطر پول بر زبان نیاورد. سر راه بر دیگران نگیرد و طریقی را ناامن. نسازد بزندگی ساده ای رضا

ص: 24

1- قرآن (27-57 لوط) و (11-46 نوح)

2- اسناد آن از کتب اهل سنت در ذیل ص 192 ج 1 حق الیقین شبر معرفی شده است

3- منتهی -2-291

4- منتخب-483

5- جلاء -ج 3- 151

باشد. بر پاکدامنی تهمت نزنند، از پلیدی احتراز جوید و به آن چه عقل و شرع آن را «نیکو» شناسد امر کند، و آن چه را به «خیر» منسوب نداشته، نهی و بالاخره و بالاخره چنان که شایسته است. در راه خدا جهاد کند.»

عجیب آن که: امام شان هم، خود را موظف می دارد که:

« همپای آنان قدم بردارد، و همانند ایشان جامه پوشد؛ بر مرکبی مثل مرکب آنها سوار شود؛ و همان گونه باشد که طالب اند. آری، با زندگی ساده ای روزگار بسر آرد، و حاجب و در بانی نگیرد. چنان که سراسر بندگی خدا کند؛ و بکوشد که بیاری خدای توانا، جهان را پر از عدل و داد نماید.» (1)

ص: 25

اما پایان کار :

بدین قرار، دولت مسعود امام، مدت ها باقی بماند و سپس بین اولیای دیگر حق [که همه از دودمان او هستند] یک به یک انتقال یابد، تا آن روز که حیات دنیا و اهل آن به تقدیر یزدانی خاتمه پذیرد؛ و «قیامت» روی نماید.

ص: 26

سخنی که صبح و شام، جان ما را بر زبان است:

«ما امام داریم زنده؛ و نزد بینا دل همواره حاضر. چون خالصانه فراخوانده شود، آید و راه نماید؛ مشکل گشاید و غم و درد زداید.

بنابراین ما از توجه به همه مدعیان مهدویت و نایبان ولایت و پیران طریقت فارغیم.»

در خبر ابو الوفای شیرازی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«چون در مانده و گرفتار شدی به حضرت حجّت علیه السلام استغاثه کن. او تو را در می یابد و او فریاد رس و پناه کسی است که از وی یاری خواهد.»

(منتهی الامال ج 2 ص 33)

ای خدا دیده بره دوخته ایم از سر شوق *** روز دیدار کی و جایگه یار کجاست؟

روزی هیچ نمانده است برای امید *** تاری افزون شده، آن شمع شب تار کجاست؟

رفع هر گونه گرفتاری عالم با اوست *** ای صبا راحت این خلق گرفتار کجاست؟

«مهدی» و بانی اصلاح جهان بودن او *** شأن، والاست، نگر پایه و مقدار کجاست؟

تا که جان است مرا منتظر دیدارم *** جان چو این می طلبد چاره این کار کجاست؟

ص: 27

مآخذ این گفتار :

منتخب الاثر (لطف الله صافی) چاپ تهران 1386... (منتخب)

دولت مهدی (نشریه کانون تشیع)

منتهی الآمال (محدث قمی)... (منتهی)

افق روشن (طالقانی) 1339... (افق)

مفاتیح الجنان (چاپ اسلامیّه 1380) (عکسی)... (مفاتیح)

نهج البلاغه (ترجمه فیض الاسلام)... (نهج)

جلاء العیون (علامه شبر)... (جلاء)

منتقم حقیقی (عمادزاده)... (منتقم)

برای تحقیق در احوال امام زمان، علاوه بر کتب فوق، و تمام کتبی که درباره تحلیل عقاید مذهب امامیه اثنی عشریه (بحث امامت) و تاریخ امامان، نوشته شده است، به نوشته های زیر مراجعه شود:

از اهل سنت:

البیان فی اخبار صاحب الزمان (علامه کنجی شافعی).

المهدی (جمع آوری: سیّد صدر الدین صدر).

از شیعه:

زاممدار آینده (مغنیّه) - موعود ادیان (شریعتی) ادیان و مهدویت (بهشتی) - شیعه و مهدویت (مرزوقی) - نوید اسلام (آل حیدر) - حضرت حجّت عصر (آل آقا کرمانشاهی) - مهدی موعود (مجلسی) - دار السلام (عراقی) آینده بشریت (طالقانی) «حکومت جهانی واحد» و «خانه مردم» و مقاله «آخر الزمان» از مهندس بازرگان، و بسیاری مقالات و رساله های دیگر .

ص: 29

از محققان مسیحی :

کتاب مهدی (دار مستتر خاورشناس) و مقاله ای درباره امام دوازدهم از:

(پرفسور هانری کربن) در مجله مردم شناسی سال 1337 .

از حاشیه نویسان

زَندَ وَ هُوَ مَنْ يَنْ (ترجمه و شرح از صادق هدایت) درباره ظهور و علائم ظهور (قائمیان).

ص: 30

حواشی رساله:

- 1 - دولت مهدی 21
- 3 - نهج 416
- 4 و 5 و 6 - منتهی - ج 2 - 292 - 291
- 7 - منتخب - 478
- 8 - منتهی - ج 2 - 291
- 9 - منتقم - 190 تا 193
- 10 - منتخب - 478
- 11 - تفسیر آیه 3 (بقره) (الذین یؤمنون بالغیب ..)
- 12 و 13 - منتخب - 481 - 485
- 14 - منتخب - 484
- 15 - منتهی 2 - 291
- 16 - قرآن (2 - 259) (او کالذی مر...)
- 17 - منتهی - 2 - 291
- 18 و 19 - منتهی 2 - 292
- 20 - افق - 21
- 21 - منتخب - 476
- 22 - افق - 21
- 23 - منتهی - 2 - 291
- 24 - منتخب - 481 - 472
- 25 - افق - 23

26 و 27 و 28 - منتهی - 2 - 291 - 292 - 293

29 و 30 - منتخب - 480 - 483 - منتهی - 2 - 292

31 - افق - 23

32 - مفاتیح - 542

33 - منتهی - 2 - 292

34 - افق - 23

35 و 36 - منتخب - 310 - 483

37 و 38 - منتهی - 2 - 292 - 291

39 - منتخب - 473

40 - منتهی - 2 - 292 - منتخب - 472

41 - منتهی - 2 - 292

42 و 43 و 44 - منتخب - 472 - منتهی - 2 - 291 - منتخب - 473 - 308

45 - افق - 25

46 و 47 و 48 و 49 و 50 - منتخب - 478 - 310 - 497 - 308

51 و 52 - منتهی - 2 - 291 - 292

53 - منتخب - 470

54 - منتهی - 2 - 291

55 - افق - 25

56 - منتخب - 473

57 - منتهی - 2 - 293

58 و 59 - منتخب - 484 - 472

60 و 61 - منتهی - 2 - 291 - 292

62 و 63 و 64 و 65 - منتخب - 482 - 72 - افق - 11 - منتخب - 472 - 308 - 470

66 - مفاتیح - 542

67 - افق - 11

68 - منتهی منتهی - 2 - 92

69 - منتخب - 470

70 - منتهی - 2 - 292

71 - قرآن (27 - 57 لوط) و (11 - 46 نوح)

72 - اسناد آن از کتب اهل سنت در ذیل ص 192 ج 1 حق الیقین شبر معرفی شده است.

73 - منتهی - 2 - 291

74 - منتخب - 469

75 - جلاء - ج 3 - 151

76 - منتخب - 469

77 - افق - 23

ص: 32

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگویم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

